

نگاهی به دو اثر



اثر عجم

فرصت الدوله شیرازی

انتشارات امیر کبیر

شیراز، بی‌تردید یکی از مراکز هنر و فرهنگ ایران زمین و سرچشمه‌ی ذوق و اندیشه و جایگاه رفیع هنرمندان و ادیبان سرزمین‌مان ایران است. در این میان اشاره به سعدی و حافظ بیانگر سهم و جایگاه مهم شیراز در اعتبار دادن به مبانی علم و هنر حتی در ورای ایران است. بی‌شک همراه شیراز چه نام‌هایی که به ذهن تبادر می‌شود و چه نام‌هایی که به فراموشی سپرده شده‌اند. چه بسیارند حکما و فلاسفه، نقاشان و معماران و خوشنویسانی که در شیراز زاده شده‌اند و آوازه و شهرتشان عالمگیر شده است از جمله فرصت‌الدوله‌ی شیرازی فیلسوف، ریاضی‌دان، مورخ، شاعر، موسیقی‌دان و نقاش نام‌آور شیرازی که به حق از جایگاهی فاخر برخوردار است. وی که از مریدان و علاقه‌مندان حافظ شیرازی و سعدی بوده است، در کتاب خود «اثر عجم» می‌نویسد:

«در نظر شخص سخن‌شناس متتبع، اشعار خواجه چون آفتاب روشن و ظاهر است. سبکی و طرزی اوراست که دیگران را نیست لالی آبدار هر غزلی از او آویزه گوش و گردن روزگار است، و در ورای اشعار هر ورقی از دیوانش، زیور ساعد لیل و نهار. سالکان سالک طریقت را از آن راحتی موفاست دناهیچین مناهج حقیقت را نعمتی مهنا. کتاب مرقوم یشهده المقربون، از غایت اشتیاری که دیوان آن جناب راست، اشعاری از آن نوشته نشد چنان که از شیخ سعدی به همین لحاظ بیتی مرقوم نیفتاد.»

بحورالالحن در موسیقی و نسبت آن با عروض این امکان را به فرصت‌الدوله می‌دهد که آموخته‌هایش را در زمینه‌ی موسیقی و شناخت دستگاه‌ها و گوشه‌های موسیقی اصیل ایرانی در رابطه با اوزان و اشعار شاعران نامداری چون حافظ و سعدی آشکار نماید. در کنار شعر و موسیقی می‌توان به مهارت او در خوشنویسی و پیکرنگاری و مطالعه و تحریر خط منحنی نیز اشاره کرد.

اما فرصت‌الدوله‌ی نقاش، در کار نقاشی سیاه قلم بسیار چیره‌دست بود. وی نقاشی را ابتدا به مدد ذوق و تجربه و مهارت خود آموخت، چنان که در دیوان اشعارش با نام «دبستان الفرصه» می‌نویسد:

«... سنم تازه به یازده رسیده بود، بسیار مایل شدم که گاهی در صنعت نقاشی اوقاتی نیز صرف کنم، به واسطه اینکه پدرم در زمان طفولیت تفنناً به حکم پدرش بدین علم مبادرت نموده بود و در فنون نقاشی تذهیب را دارا بود

و صفایح صفحات را زینت‌آرا. ولی من مایل به صورتگری بودم و این کالای والا را مشتری بسیاری از کارهای فرنگستان و باسهم‌های انگلستان را جمع کرده و از روی آنها مشق می‌کردم و به پدر خود می‌نمودم و تعلیم می‌گرفتم. اتفاقاً اگر به استادی می‌رسیدم نیز کسب اطلاع می‌کردم و از روی برهان این عمل را به درجه کمال رسانیده که مدد معاش والدین و اخوان و متعلقاتم از این رهگذر بود...»

فرصت پس از سیر و سفر در ایران، عراق عرب و بمبئی به ثبت آنچه دیده بود پرداخت. کتاب «آثار عجم» او را می‌توان قابل توجه‌ترین حاصل تلاش این نقاش و مورخ شیرازی دانست که علاوه بر مطالب، نقاشی‌هایی نیز ارائه داده که هر یک می‌تواند سندی گویا از آثار و بناهای عصر نقاش باشد.



فرصت‌الدوله آثار عجم یا شیرازنامه را در سال ۱۳۱۳ هجری به پایان رساند و یک سال بعد در بمبئی منتشر کرد. البته وی متذکر می‌شود که حاصل کار و پژوهش و نقاشی‌هایش در ابتدا به هدر می‌رود چنان که در مقدمه‌ی آثار عجم می‌نویسد:

«... یکی از صاحبان دولت بهیه انگلیس، به توسط شخصی از پارسیان ما «نکحجی» نام که از امنای شورای دارالخلافه بود، دستورالعملی را نوشته، از آنجا فرستاده که فقیر، بعضی از آثار قدیمه فارس را نقشه برداشته و پارهای از مرتفعات را مهندسی نموده و برخی از اراضی را مساحت کرده به جهت مشارالیه بفرستم. لہذا چندی پی سیر دشت و بیابان شده این خدمت مرجوعه را به انجام رسانیدم. پس از فرستادن نقشه‌ها ۳ کتابچه که در تفصیل آنها نوشته بودم، به جانب دارالخلافه خبر رسید که آن شخص پارسی بدرود جهان را گفت و آن نقوش در ضمن ترک‌اش ضبط شد. از این مطلب افسوس می‌داشتم که رنج فقیر به هدر رود و اجرم ضایع گردد، یعنی هنوز به طبع نرسیده از میان برود. همواره در این خیال بودم که ثانیاً نقشه‌های مذکوره را از روی اصل آنها تجدید نمایم و تفصیل آنها را دو مرتبه بنگارم و به طبع

رسانم تا کتابی شود مدون و از فیض آن خاص و عام را بهره کامل حاصل گردد...»

فرصت‌الدوله به همین علت در سال ۱۳۱۰ هجری در زمان سلطنت ناصرالدین شاه به تهیه‌ی دوباره‌ی نقشه‌ها و نوشتن متن کتاب پرداخت. وی در ابتدای کتاب فهرستی ارائه می‌دهد شامل:

«بعض بلوکات و قصبه‌جات فارس و بعض بلاد و شهرهای متفرقه که نامی از آنها در کتاب برده شده است. بعض از جبال فارس و غیره و قلاع آن - دریا و دریاچه و پل و بعض رودخانه و قنات و چشمه در فارس و غیره - فهرست بعض ابنیه و امکانه و آثار قدیمه و اشکال و نقوش در هر جا - در ذکر شیراز و متعلقات آن ملک جنت طراز - بعض از سلاطین قدیمه قبل از اسلام - بعض از سلاطین متقدمین و متأخرین که بعد از اسلام بوده و هستند - فهرست بعض از وقایع و حوادث مرقومه در کتاب - در ذکر بعض صحابه رضی‌الله تعالی عنہم - عرفای متقدمین و متوسطین و متأخرین که درک زمان ایشان نشده - حکمای قبل از اسلام و بعد از آن که درک زمانشان نشده - علما و ادبا، فصحا و بعض از شعرای عرب که درک زمان ایشان نشده، بعض از مجتهدین و علمای اعلام و ادبا که درک زمان ایشان شده، بعض از حکمای معاصرین که درک زمان ایشان شده - مطالب علمیه از حکمت و کلام و از هیأت و هندسه و نجوم و حساب و معانی و بیان غیرذالک - فهرست مطالب مختلفه متفرقه - چند نفر از شعرای عجم غیر اهل فارس به حروف تهجی - شعرای فارسی از شیرازی و غیره که متفرقه در کتاب است - ایضا بعض از شعرای شیراز و غیره که بر ترتیب ذکر شده از صفحه ۵۵۳ تا ۵۵۷ به حروف هجا - اشعار متفرقه مندرجه در کتاب از هر کس در مدح یا ذم اشیا و غیر ذلک به عربی یا فارسی - اشعار متفرقه در کتاب که از مؤلف است مانند قصیده و غزل و غیره...»

فرصت‌الدوله در نقاشی‌های کتاب می‌کوشد جزئیات و مشخصات بنا یا مکانی را بر روی کاغذ رسم کند. اگر نقاشی‌های او را با بناهایی که هنوز باقی مانده‌اند، مقایسه کنیم دقت عمل نقاش مشخص می‌شود و حتی در این مقایسه تغییرات ایجاد شده روی بنا و آسیب‌های وارده بر بنا شناخته می‌شود. نقاشی‌های کتاب سندی ارزشمند در تحول هنر نقاشی این سرزمین است.

تنوع مطالب کتاب به گونه‌ای است که این اثر را به صورت یک دایره‌المعارف جامع در مورد علما و فضلالی عصر خود، بناهای تاریخی آن روزگار و شرح وقایع دوران درآورده است. وی با فروتنی در این مورد می‌نویسد:

«... مطالبی را که در عرض راه سفر روز به روز هنگام برداشتن نقشه آثار قدیمه می‌نوشتیم و به هر مکانی که می‌رسیدم در اوراق متفرقه یادداشت می‌نمودم آنها را به عین در این دفتر جمع‌آوری کرده مجموعه ساختم و آن را موسوم نمودم به آثار عجم. آن مطالب مذکوره متعلقه به نقش‌ها را پس از مراجعت از سفر که خواستم در این کتاب جمع آورم خوش ندانستم که تغییر و تبدیلی در آنها داده سخنی زیاد یا حرفی کم نمایم، چون که مطلب و مقصد اصلی به پرداختن عبارت از میان می‌رفت. لہذا از صاحبان بصیرت که ناظرین این نسخه‌اند معذرت می‌طلبم که چنان چه خطایی یا سهوی از خامه‌ی این فقیر سرزده باشد اغماض عین فرموده بر لغزشم خرده نگیرند زیرا که مطالب این کتاب را اکثر در دهات و بیابان‌ها می‌نگاشتم. خدای احد شاهد حال است



که بسا مطالب ابنیه و آثار بعض جاها را با قلم مداد سواره مسوده می کردم در سرزمینی که نه لغت فارسی بود نه لغت عرب، نه نسخه تاریخ نه کتاب ادب.

فرصت الدوله به تنهایی هم نویسنده‌ی کتاب بود هم پژوهشگر، هم مورخان و هم باستان شناس، و هم نقاش. در این کتاب حدود پنجاه نقاشی همراه با طراحی دقیق از ابنیه و آثار تاریخی فارس و کرمانشاه و نیز دیگر نقاط است که با شماره گذاری هر یک و رقم زدن اسم خود در دایره‌ای بسته «نگارنده نقشه فرصت الدوله شیرازی غفرله» آنها را در کتاب متناسب با نقد و بررسی هر بنا آورده است:

– آثار جلگه شیراز؛ نقشه نقش رستم، نقشه بند بهمن، نقشه بقعه جاماسب، نقشه چهار طاق، نقشه کوه توج و خرمن کوه، نقشه قلعه وحید، نقشه دار بجر و صورت پوزش فیلیپ پدر اسکندر، نقشه مسجد سنگی داراب، نقشه آتشکده،

نقشه منار و عمارت مخروبه فیروز آباد، نقشه آتشکده اعظم فیروز آباد، نقشه آثار سنگی تنکاب فیروز آباد، نقشه آثار غریبه دیگر صورت‌های داخل تنکاب، نقشه تخت جمشید به قانون مهندسی، نقشه عرصه تخت جمشید و عمارات و سده و دخمه‌ی آن، نقشه پله‌های تخت جمشید، نقشه دروازه ابوالهول، نقشه تخت جمشید، نقشه جدال پادشاه با حیوان، نقشه فروهر، نقوش پای عمارت چهلستون، نقشه درگاه شمالی صدستون، نقشه دخمه بالای تخت جمشید، سه مجلس از دخمه بالای تخت جمشید، نقشه اندرون دخمه بالای تخت جمشید، نقشه یک مجلس در نقش رستم، نقشه صورت شاپور نقش رستم، کعبه زردشت – نقش رستم، نقشه قلعه شکسته – قلعه استخر – قلعه اشکانان، نقشه مشهد

مادر سلیمان، نقشه بند عضدالدوله دیلمی، نقشه صورت‌های تنگ چوگان، نقشه تنگ چوگان – مجلس، نقشه مجلس بر کرسی نشستن شاپور، نقشه دخمه شاپور – مجسمه شاپور، نقشه کوه ده مرده، نقشه ایوان کسری، نقشه آثار قدیمه کرمانشاهان – طاق بستان، نقشه شکارگاه – طاق بستان از روی نقشه‌های سیاحان فرنگی، صورت زردشت و اردشیر و شاپور – از روی نقشه‌های سیاحان فرنگی، بیستون – مجلس از روی نقش‌هایی از سیاحان فرنگی، بیستون مجلس از روی نقش‌های سیاحان فرنگستان، نقشه بقاع متبرکه، حضرت امیر احمد شاه چراغ – سید امیر محمد، سید علاءالدین حسین. فرصت الدوله در سال ۱۳۳۹ دار فانی را وداع کرد و جنازه‌اش در شمال آرامگاه حافظ نزدیک پلکان مزار خواجه به خاک سپرده شده است.



مهمان خانه بزرگ قزوین

مهرداد پرهیزکاری

انتشارات روناس، سازمان میراث فرهنگی، صنایع

دستی و گردشگری استان قزوین، پایگاه میراث

فرهنگی شهر تاریخی قزوین، ۱۳۸۶

در مجموعه‌ی حاضر به آن پرداخته است؛ مجموعه‌ای مستند به مدارک مکتوب و یافته‌های ملموس در کنار اشاره به ناگفته‌هایی از تاریخ معماری ایران در دوره‌ی قاجار.

پرهیزکاری مینا و هدف کار خود را نه معرفی تعدادی ابنیه که آگاهی دادن درباره‌ی بناهای تاریخی به جهت حفظ و استمرار سنت‌های معماری و فرهنگ و مفاهیم سنتی و رویکردی به شناخت عمیق یک بنا قرار داده است که این امر بی‌تردید از ضروریات اساسی در حوزه‌ی بازشناسی فرهنگ معماری است وی کتاب را حاصل تحقیق و مطالعه درباره‌ی

مقدمه

ایرانیان را می‌توان پیشگام یا یکی از پیشگامان میهمان‌خانه‌ها دانست. پذیرایی از میهمانان به همان شکل مرسوم در کاروانسراهای بین راهی، از دیرزمان رایج بوده و مدارک باستان‌شناختی نیز بر این امر اشاره دارد. تنوع کارکرد کاروانسراها در طی زمان، و پذیرایی هر چه بهتر از مسافران منجر به شکل‌گیری انواعی از بناها گردید که به این کار اختصاص یافت و نام میهمان‌خانه بر آن گذاشته شد. در این میان کهن‌ترین میهمان‌خانه‌ی ایرانی به سبک نوین، میهمان‌خانه‌ی قزوین می‌باشد که مؤلف کتاب

نخستین هتل مدرن در ایران دانسته و تلاش کرده تا حد ممکن مطالب و مستندات جمع‌آوری و ابعاد گوناگون آن بررسی شود.

یکی از ویژگی‌های کتاب حاضر با توجه به محدود بودن مطالب و عکس، بازسازی نقشه‌های مهمان‌خانه است. مؤلف در ادامه‌ی تحقیق با پی بردن به ابعاد مهمان‌خانه و دستیابی به متون بیشتر و عملیات گمانه‌زنی، امکان تحلیل و نتیجه‌گیری را میسر کرده است.

در این مسیر همان طور که در مقدمه اشاره می‌شود، مؤلف از نظرات شادروان باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی و آقایان ناصر نوروززاده چگینی و کامران صفامنش در بخش‌هایی از پروژه استفاده نموده است.

کتاب در هشت فصل همراه با ضامنه منتشر شده است. نام مهمان‌خانه، بستر و محیط اطراف مهمان‌خانه، مجموعه‌ی دولتی و جایگاه آن در شهر، تاریخ احداث مهمان‌خانه و دست‌اندرکاران ساخت مهمان‌خانه مباحث فصل نخست را به خود اختصاص داده‌اند. در رابطه با نام مهمان‌خانه می‌خوانیم:

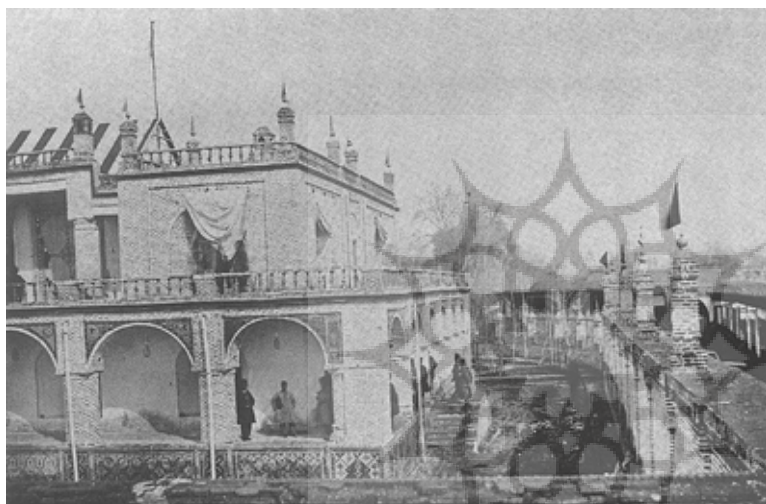
«مهمان‌خانه‌ی قزوین متداول‌ترین نام عمارت اقامتی قزوین بود که در برخی موارد به صورت منفرد «مهمان‌خانه» و زمانی به صورت ترکیب «مهمان‌خانه بزرگ قزوین» و مهمان‌خانه‌ی شهر قزوین به کار رفته است. از دیگر نام‌های متداول این عمارت «مهمان‌خانه دولتی» بود که نمایانگر وابستگی آن به دولت مرکزی بود. علاوه بر این به دلیل انتساب مهمان‌خانه به مدیر و سازنده‌ی آن، مهمان‌خانه یا کاروانسرای سعدالسلطنه نیز خوانده شده است.» (ص ۲۳)

از آن جایی که خیابان مهم‌ترین گذر شهری صفوی و ستون فقرات نظام شهرسازی را شکل می‌داده است، خیابان از سردر عالی قاپو - ورودی اصلی دولتخانه صفوی - آغاز و تاجلویخان مسجد شاه (جامع سلجوقی) امتداد می‌یافته است. به گفته‌ی مؤلف درست در همین نقطه مهمان‌خانه و مجموعه‌ی دولتی دوره‌ی ناصری ساخته شده است. وی با اشاره به سفر هینریش بروگر که در سال ۱۸۶۱ میلادی، ۱۷ سال قبل از آغاز کار احداث مهمان‌خانه به ایران داشته و به توصیف مکان مذکور پرداخته، آن را دقیق‌ترین توصیف از وضعیت مکان مجموعه‌ی دولتی قبل از احداث می‌داند و معتقد است که مهمان‌خانه و مجموعه دولتی در فضای خالی میدان صفوی احداث شده و این بخش شهر پیش از احداث مجموعه و مهمان‌خانه رونق اقتصادی و اجتماعی داشته که خود متضمن موفقیت چنین پروژه‌ی بزرگی در شهر بوده است.

در واقع این مجموعه با بهره‌گیری از موقعیت ممتاز مکانی و به علت وجود مسجد جامع، خیابان و بازارچه، در کالبد شهر مطرح و به عنوان هسته‌ای در مقابل دیگر هسته‌های شکل‌دهنده‌ی شهر تبدیل شده است. مادام دیولافوا در سال ۱۸۸۱ میلادی یعنی یک سال پس از ساخته شدن مهمان‌خانه به توصیف فضای اطراف مهمان‌خانه پرداخته است. نویسنده بر این باور است که با آنکه دیولافوا به درستی بخشی از فضای اطراف

مهمان‌خانه را وصف کرده است اما: «به نظر می‌رسد درباره‌ی مکان بازارچه دچار اشتباه شده چرا که اگر یک طرف مهمان‌خانه حوض قرار گرفته باشد (شمال مهمان‌خانه) سمت دیگر به قرینه حیاط درشکه‌خانه خواهد شد (جنوب مهمان‌خانه) که امکان چین بساط در آن نبوده و در عکس‌ها نیز نشانی از درخت در آن دیده نمی‌شود.» (ص ۲۷)

شکل‌گیری مجموعه‌ی دولتی همزمان با مهمان‌خانه بوده و نیاز مهمان‌خانه، جاده شوسه و حکومت محلی و دولت مرکزی را تأمین می‌کرده است. این مجموعه با مساحتی حدود ۱۵۰۰۰ متر مربع علاوه بر مهمان‌خانه شامل درشکه‌خانه (کالسکه خانه)، پست‌خانه (چاپارخانه)، تلگراف‌خانه، کارخانه کالسکه‌سازی، پاسدارخانه و گمرک‌خانه بوده است. نویسنده با اشاره‌ی کوتاه به هر یک از این مراکز نقشه‌هایی از مجموعه‌ی دولتی قزوین و مهمان‌خانه در دوره‌ی قاجار و حال حاضر ارائه



مهمان‌خانه قزوین، جبهه جنوب‌شرقی، دوره ناصری، مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان

می‌دهد. همچنین در جدولی، زمان‌بندی احداث مهمان‌خانه را مورد توجه قرار داده است.

عمارت، محوطه، تزیینات و... مهمان‌خانه

عمارت مهمان‌خانه، حیاط و محوطه‌ی مهمان‌خانه، تزیینات مهمان‌خانه، گمانه‌زنی، مقایسه‌ی تطبیقی، بازسازی نقشه‌های مهمان‌خانه فصل دوم کتاب را به خود اختصاص داده‌اند. در رابطه با عمارت مهمان‌خانه که از چهار جهت دید و منظر داشته و بهترین دید آن در جبهه‌ی شمالی به سمت حیاط و باغچه، خیابان دولتی و سردر عالی قاپو بود، می‌خوانیم:

«عمارت مهمان‌خانه به صورت دو طبقه بر روی صفحه‌ای مرتفع ساخته شده بود. مادام دیولافوا، ارنست اورسل، میرزا محمد حسین فراهانی، لرد کرزن و هنریش بروگش، همگی عمارت مهمان‌خانه را دو طبقه معرفی کرده و صفحه را طبقه محسوب نکرده‌اند. دکتر فووریه نیز طبقات را یکی فرض کرده و نوشته: مهمان‌خانه... بنای یک طبقه‌ی بایی است. تنها شخصی که صفا را به عنوان طبقه مد نظر قرار داده، فووراکاوا از همراهان ماساهارو اولین فرستاده‌ی ژاپن به ایران می‌باشد... اما مهمان‌خانه‌ای که در آن منزل گرفتیم ساختمان بلند سه طبقه‌ای بود با پهنای سی و چند زرع...» (ص ۵۱)

حیاط مهمان‌خانه نیز که فضایی محصور در شمال مجموعه‌ی دولتی بود، دور تا دور آن را دربر گرفته و در شمال مهمان‌خانه وسعت بیشتری داشت. مؤلف با ارائه‌ی نقشه‌ای بازسازی حصار حیاط و باغچه‌ی مهمان‌خانه را نشان داده است.

در واقع باغچه و حوض از اجزای مهم مجموعه دولتی و جزء جدایی‌ناپذیر مهمان‌خانه بوده به نحوی که در همه‌ی توصیف‌ها در کنار نام مهمان‌خانه آمده است و با ایجاد منظره‌ای زیبا، نقشی ماندگار از ایران را تصویر کرده است.

در بحث تزئینات، مؤلف ضمن اشاره به بنای باشکوه مهمان‌خانه، تزئینات و عناصر تزئینی این بنا را مورد توجه قرار می‌دهد. کاشی‌کاری

معلی‌صفه، کاشی‌کاری هفت رنگ لچکی قوس‌ها، نقش دولتی ایران، ستونک‌های تزئینی و پرچم‌ها، رنگ‌آمیزی شیروانی و پرده‌های منقوش از جمله تزئینات خارجی این بنا بوده است.

نویسنده شاخص‌ترین عنصر تزئینی بنا را که نشان‌دهنده‌ی شخصیت و نماد مهمان‌خانه و مجموعه دولتی بود، نقش شیر و خورشید بر اسپر نیم دایره واقع بر ایوان‌های اشکوب دوم می‌داند.

«دکتر فوریه درخصوص این نقش که با کاشی خشتی شکل گرفته بود، نوشته: هر یک از جبهه‌های نیم دایره‌ای نماهای عمارت را با علامت دولتی ایران، یعنی شیر و خورشید که بر روی کاشی کبودی ساخته شده، مزین ساخته‌اند. در کنار پای شیر دو

صفحه مدور ترتیب داده‌اند که تناسب آنها با این نقش درست معلوم نیست. شاید خواسته‌اند که با قرص صورت خورشید که نمایش صورت یک خانم ایرانی است، قرینه‌هایی باشند.» (ص ۶۲)

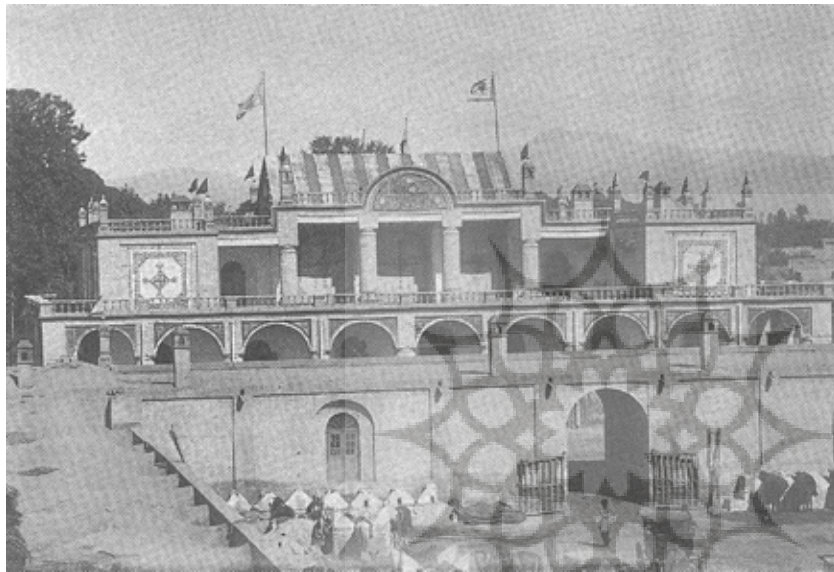
مؤلف ضمن ارائه‌ی نقشه‌های بازسازی طرح‌های معلی‌صفه و ستونک‌های تزئینی مهمان‌خانه مقایسه‌ی طرح اسلیمی کاشی‌کاری لچکی‌های مهمان‌خانه را با مسجدالنبی قزوین و عمارت کلاه فرنگی و هم چنین نقش شیر و خورشید بر اسپرایوان جنوبی مهمان‌خانه و سنتوری ورودی حیاط باغچه نشان داده است.

نویسنده در ادامه بحث متذکر این معنا می‌شود که مطالعات انجام گرفته برای شناخت بنای مهمان‌خانه، نزدیکی معماری بناهای شهر قزوین نسبت به دیگر ابنیه‌ی کشور مسجل شده است. وی علت این امر را شرایط ویژه‌ی ساخت مهمان‌خانه می‌داند.

در واقع کاربری جدید بنا و تأثیر فرنگ بر ناصرالدین شاه و زمان کوتاه احداث بنا عواملی بوده‌اند که به نظر مؤلف موجب شد تا مهمان‌خانه با داشتن ویژگی‌های معماری ایرانی، از دیگر بناهای هم دوره فاصله بگیرد. به عبارتی تأثیر مهمان‌خانه بر معماری شهر و محدودیت جغرافیایی این تأثیر در سطح منطقه، و بررسی تطبیقی آن با بناهای قزوین اطلاعات

سودمندی به دست داده است، از جمله با عمارت چهلستون قزوین، عمارت سپهدار، عمارت سردار مفخم و گراند هتل که با نقشه و عکس همراه شده است. چنان در مورد چهلستون آمده است:

«بدین ترتیب رواق چهلستون از مهمان‌خانه‌ی قزوین الگوبرداری شده و نشان دهنده‌ی فرم جزئیات رواق مهمان‌خانه می‌باشد. مقطع گرد ستون‌ها، جرزها و نیم ستون‌های متصل به آن، قاب‌بندی بالای ستون‌ها و جزئیات نشیمنگاه قوس‌ها روی ستون، به قدری به رواق مهمان‌خانه شبیه بوده که ابعاد و اندازه‌ها را در جزئیات برابر کرده و تنها اختلاف رواق‌ها در شکل قوس، تناسب دهانه و ارتفاع رواق بروز نموده است که آن هم ناشی از اختلاف تناسبات دو بنای مهمان‌خانه و عمارت کلاه فرنگی است که



چاپارخانه و مهمان‌خانه قزوین، جبهه جنوب‌غربی، مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان

موجب گردیده تا رواق عمارت چهلستون مرتفع‌تر و تناسبات آن از مربع به مستطیل گردد.» (ص ۸۰)

بازسازی نقشه‌های مهمان‌خانه

بخش پایانی فصل دوم به بازسازی نقشه‌های مهمان‌خانه پرداخته است. در واقع تحلیل اطلاعات به دست آمده از توصیف مهمان‌خانه، عکس‌های باقی مانده، شواهد حاصل از گمانه‌زنی، و مقایسه‌ی تطبیقی امکان بازسازی نقشه‌های مهمان‌خانه را برای مؤلف ایجاد کرده است. به گفته‌ی وی نماهای جنوبی و شمالی مهمان‌خانه براساس عکس‌های موجود و مقایسه‌ی تطبیقی رواق چهلستون ترسیم و بازسازی شده و در ترسیم نمای شرقی از ابعاد و اطلاعات حاصله از نمای جنوبی، عکس‌های مهمان‌خانه و گمانه‌زنی استفاده شده است.

نویسنده با ذکر اینکه بنا بر گمانه‌زنی، فرضیه‌ی وجود یک فضای هشت ضلعی در مرکز پلان شکل گرفت که بارد نظریه‌ی وجود هشتی، فضای مرکزی اشکوب تحتانی شکل مستطیل به خود گرفت، پلکان مهمان‌خانه نیز در همین فضا بوده است. مؤلف با مقایسه‌ی تطبیقی، به این مسیر هدایت شده است که امکان قرارگیری پلکان بنا در فضای موصوف بوده است. پلکانی ساده مشابه خانه داعی و طرح اولیه عمارت

سپه‌دار و پلکان مجلل همانند عمارت سردار مفخم.

وی با بررسی فضای مهمان‌خانه به این نتیجه رسیده است که مهمان‌خانه پلکانی ساده و منفرد داشته و به نوعی طرح ابتدایی پلکان گراند هتل قزوین است که به زیبایی گونه‌های پلکان ساده و مجلل را ترکیب و به بهترین شکل استفاده کرده است. وی با بازسازی نقشه‌های مهمان‌خانه مقایسه‌ی دقیق‌تری بین این بنا و گراند هتل به عمل آورده است. حاصل این مقایسه از جمله تفاوت ترکیب فضایی دو بنا می‌باشد که در مهمان‌خانه فضاهای جمعی و فردی به نوعی با هم آمیخته‌اند، در حالی که در گراند هتل با تفکیک مناسب فضاها، اتاق‌های هتل، سالن غذاخوری و... شخصیت مستقلی یافته‌اند.

مؤلف با نقشه‌هایی به بازسازی پلان اشکوب تختانی و فوقانی و همچنین نماهای شمالی و جنوبی و شرقی مهمان‌خانه قزوین پرداخته است.

سازه مهمان‌خانه و تأسیسات بنا

فصل سوم کتاب به سازه مهمان‌خانه و تأسیسات بنا می‌پردازد. به گفته‌ی مؤلف عمارت مهمان‌خانه دارای سازه‌ای مرکب از ستون و جرزهای باربری بود که بر شالوده‌ای با عمق‌های متفاوت تکیه داشت. در واقع قسمتی از شالوده متشکل از ردیف‌های منظم سنگ و آجر و مابقی همگی آجری بود. بنا از سه طبقه‌ی زیرزمین، تختانی و فوقانی تشکیل شده بود. نویسنده با توجه به سنت معماری قزوین، به پوشش زیرزمین و طبقه تختانی با طاق‌های آجری، طبقه فوقانی به صورت پوشش مسطح و تالار مرکزی برای دستیابی به وسعت بیشتر و حذف ستون با پوشش شیروانی اشاره و مشابه این سازه را در گراند هتل قزوین می‌داند.

در واقع وی سازه‌ی این عمارت را بنایی با یک نظام تاق و تویزه در دو طبقه می‌داند که در عرض بنا راهرو نقش استهلاک نیروهای جانبی وارده از سمت شمال و جنوب را بر عهده داشته و رواق که از نظام تاق و تویزه گسسته بوده به عنوان یک سیستم پشت بند عمل می‌کرده است. (ص ۱۰۴)

دو فصل بعدی نیز به میلان، سالن تشریفات، امکانات و خدمات، و درجه‌ی مهمان‌خانه، سرویس غذا، ارزیابی مهمان‌خانه از نگاه مسافران، و همچنین بهای اتاق و غذا، مدیریت مهمان‌خانه و نقش مهمان‌خانه در حکومت سعدالسلطنه و عمارت مهمان‌خانه به عنوان نماد قدرت حاکمه در قزوین پرداخته است.

تأثیر اجتماعی مهمان‌خانه و همچنین تأثیر آن بر معماری شهر قزوین دو مبحث فصل ششم کتاب را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به اینکه نیمه‌ی دوم سلطنت ناصرالدین شاه دوره‌ی شروع تحولات اساسی در معماری ایران به شمار می‌رود، و ارتباط با دنیای خارج و نفوذ فرهنگ و تکنولوژی اروپا، سنت‌های معماری ایران را دچار دگرگونی می‌کند. مهمان‌خانه نیز در این دوره احداث و در نتیجه در تحولات معماری قزوین نقش عمده‌ای ایفاء می‌کند:

«مهمان‌خانه دارای پلانی ایرانی بود. وجود فضای مرکزی و انتظام فضاهای دیگر به دور آن را می‌توان در ابنیه‌ی ادوار پیشین مشاهده کرد. همچنین عناصری مانند رواق، غلام‌گردشی و... دارای سابقه طلانی در

معماری ایرانی بودند. در مهمان‌خانه قزوین ترکیب جدیدی از عناصر معماری ایرانی به وجود آمد که از معماری روسیه و فرنگ تأثیر پذیرفته بود. این تأثیرات به وضوح در ترکیب حجم و نمای عمارت مهمان‌خانه دیده می‌شود. نحوه‌ی به کارگیری رواق و صفا در حجم بنا، ایوان‌هایی با اسپر منقوش و به خصوص ستونک‌های تزئینی که کاملاً وارداتی بودند، همه و همه تأثیرات معماری بیگانه را بر عمارت مهمان‌خانه نشان می‌دهند، به گونه‌ای که آن را به بنایی دو رگه شبیه می‌سازند.» (ص ۱۴۵)

در واقع تأثیرات اشاره شده را می‌توان نخستین شعاع‌های نفوذ و تأثیر معماری روسیه و فرنگ در قزوین به شمار آورد. به عبارتی ارتباطات گسترده و نزدیکی با پایتخت که در استفاده از نقشمایه‌های فرنگی پیشرو بود، به روند تغییرات معماری شهر قزوین سرعت بخشید. در فصل بعدی نیز به تخریب مهمان‌خانه در حدود سال ۱۳۱۰ شمسی و احداث سبزه میدان اشاره می‌شود. فصل پایانی نیز به منابع تحقیق اعم از متون و عکس‌ها پرداخته است.

در بخش ضمایم نیز اسامی سیاحان و مسافرانی که در زمان حیات مهمان‌خانه از قزوین عبور کرده‌اند، همچنین شرح احوال آقا باقر سعدالسلطنه و آقا ابراهیم امین‌السلطان، و نحوه‌ی بازسازی نماهای مهمان‌خانه اشاره شده است.

مؤلف در چگونگی بازسازی نمای مهمان‌خانه ضمن اشاره به عدم وجود عکس‌های کافی و شفاف از اضلاع مهمان‌خانه، تنها عکسی با کیفیت و کنتراست بالا از نمای جنوبی را ملاک قرار داده و برای به دست آوردن ابعاد و ترسیم نقشه‌های مربوطه تا حد زیادی به نمای جنوبی مهمان‌خانه اتکا کرده است. وی برای یافتن ابعاد مهمان‌خانه به نقشه ۱۹۱۹ که در سال ۱۹۱۹ م یعنی آخرین سال‌های حکومت قاجار تهیه شده با مقیاس ۱۲ اینچ به یک مایل، مراجعه کرده است. اما برای رسیدن به ابعاد دقیق‌تر به عکس‌های موجود رجوع شده است. با به دست آوردن ابعاد آجر مهمان‌خانه، و برای کنترل دقیق‌تر بررسی و کنترل ارتفاع (براساس عکس) استوار شده است. در مرحله‌ی بعد یعنی به دست آوردن ابعاد و اندازه‌های عرض مهمان‌خانه، با توجه به نبود عکس تمام‌نما با پرسپکتیو مناسب از جوانب مهمان‌خانه، استفاده از ابعاد و تناسبات نقشه ۱۹۱۹ و مقایسه‌ی آن با اعداد حاصل از ابعاد طول رواق مد نظر قرار گرفته است.

در اندازه‌گیری جزئیات نما از ابعاد آجر و تناسبات عکس استفاده شده است. همین روش در اندازه‌گیری عرض پله‌های غربی رواق که امکان اندازه‌گیری نداشت به کار گرفته شده است:

در این روش عکس مورد نیاز اسکن و وارد محیط اتوکد شد. سپس از روی خطوط عکس نقاط گریز به دست آمد. به علت دقت پایین و مبهم بودن بسیاری از خطوط عکس، طبیعی است خطوط همگی در یک نقطه جمع نمی‌شوند و نیاز به تعدیل این نقاط می‌باشد. بدین ترتیب ابعاد پله به صبغی نمای مهمان‌خانه که به واسطه وجود آجر قابلیت اندازه‌گیری و یافتن تناسب را دارا است، منتقل گردید. از همین روش برای به دست آوردن ارتفاع شیروانی استفاده شد.» (ص ۲۴۱)

مؤلف با ارائه مجموعه‌ای از نقشه‌ها، عکس‌ها، جداول و به طور کلی مطالب و مستندات قابل حصول، اثری در خور به چاپ رسانده است.